

فواید معنوی سکه شناسی

سکه شناسی چه از نظر مادی و چه معنوی سودهای فراوانی در بر دارد. سکه شناسی یکی از رشته‌های مهم باستان‌شناسی است، با این اختلاف که سایر آثار باستانی مانند کاسه و کوزه و شیشه و پارچه و چوب و عاج در نتیجه فرسودگی و ماندن قرن‌ها در زیر خاک از حالت نخستین بیرون می‌رود، ناقص و معیوب و پاره و شکسته می‌گردد و یا حتی بکلی معدوم و نابود می‌شود، ولی سکه چون از فلزات گوناگون و پایدار مانند مس و برنج و برنز و نیکل و نقره و طلا و پلاتین ساخته و پرداخته می‌شود تقریباً و بلکه در برخی موارد تحقیقاً بحالت اصلی و بدون آنکه کمترین تغییر و تحولی در آنها حاصل شده باشد صحیح و سالم بدست ما می‌رسد و از ادوار گذشته داستانها و سرگذشت‌های مهمی برای ما بیان می‌کند و پرده از روی بسیاری نکات مبهم تاریخ بر می‌دارد و نام بسیاری از شاهان و کشور گشایان را که بجهاتی ذکر آنان از میان رفته و فراموش شده بما باز می‌دهد و ما را از بسیاری وقایع تاریخی: از جنگها و پیمانها و فیروزیها و شکستها و از نام بسیاری شهرها و سایر مسائل تاریخی و جغرافیائی آگاه می‌سازد.

سکه در هنر نیز مقام و منزلت بس ارزشمندی دارد: چه بسا شاهکارهای بدیع و نگیزی که در فن سکه‌سازی پدیدار گشته، شاهکارهایی که تا با امروز موجب احترام و اعجاب هنرمندان است. هم در سکه‌شناسی است که بخوبی میتوان بچگونگی ترقی و انحطاط هنر در ادوار مختلف و در میان اقوام مختلف پی برد و از سیر هنر در تاریخ تمدن بشر آگاه شد.

سکه‌شناسی در شناسائی اساطیر و ادیان و مذاهب نیز بی‌تأثیر نیست: چه بسیار خدایان یونانی که به زیباترین شکلی در سکه‌ها نمایان اند، و چه اشارات و کنایاتی که از تعلیمات دینی در سکه‌ها منقوش و منقول است. در حقیقت سکه‌شناسی تاریخ بسیاری

از وقایع مهم مذهبی را بر ما معلوم میدارد. سکه شناسی در ادوار مختلف و در کشورهای مختلف معمول و متداول بوده سکه شناسی اطلاعات سودمندی بمانماید. از سکه شناسی است که میدانیم در ایران باستان و در یونان قدیم چه نوع و چند گونه اوزان و مقادیر متداول بوده، نسبت ارزش سیم به زر چه بوده، در چه زمان و تحت چه عواملی این نسبت تغییر مییافته و بهای زر گران یا ارزان میشده.....

سکه شناسی تاریخ مصور رسوم شاهان و عادات افراد و تشریفات مذهبی است. از سکه است که امر وزما برای العین می بینیم در زمان هخامنشیان لباس رسمی جنک آوران ایران چگونه بوده، شاهان پرسید چگونه لباسی بر تن داشته اند، تاج سلاطین اشکانی چه اشکال گوناگونی داشته، ساسانیان چگونه سر و صورت خود آرایش میدادند، آتشکده ها را چگونه میساختند و نگهبانان آتشکده ها چگونه بوده اند، القاب و عناوین سلاطین چه بوده، در چه شهرهایی ضرابخانه وجود داشته، وسعت نفوذ امپراطوریهای ایران و یونان و روم و بیزانس بکجا میکشیده....

سکه شناسی موجب تقویت علاقه و عادت بمطالعه و تحقیق و تتبع و تفکر است. سکه شناسی ایجاب میکند که برای کسب اطلاع و بصیرت در این فن وسیع و دامنهدار به کتب بسیار در تاریخ و جغرافیا و علم اساطیر و ادیان و باستان شناسی و هنرهای زیبا و غیره مراجعه نمود، بخصوص وقتی که سکه تایاب و گمنامی بدست میآید پیدا کننده ناچار است برای شناسایی و شناساندن آن بمطالعه پردازد، کتابها زیر و رو کند، از قوه تخیل و تفکر استمداد جوید، از سایر علمای فن یاری طلبد، بمشاوره پردازد و چون سر این مجهول را کشف نمود مانند کسی که به پیروزی بزرگی نایل آمده یا با اختراعی توفیق یافته است سرافراز میشود و شادبها میکند و این پیروزی خود را روی کاغذ میآورد و بنام خود در نشریات علمی منتشر میسازد و چون از این اکتشاف خدمتی بعلم و ادب و هنر مینماید بین اقران سرفراز میشود. سکه شناس ناچار است به نظم و ترتیب و قاعده خو گیرد و با روش علمی

دمساز باشد و مجموعه خود را با ترتیب خاصی مرتب کند، سکه‌های خود را از روی مبانی تاریخی و جغرافیائی تقسیم‌بندی کند، هر یک از سکه‌ها را بشناسد و هر یک را در جای مخصوص خود بگذارد، سکه را از زنگار و ناخوانی بزدايد، سکه قلب را از اصل تشخیص دهد، سکه‌های مکرر را با دیگران مبادله نماید، از مراتب اهمیت و ارزش هر سکه آگاه باشد، نواقص مجموعه خود را بداند و پیوسته در جستجوی تکمیل مجموعه و رفع نواقص آن باشد. رعایت این اصول کلی است که طبعاً مراعات نظم را ایجاب مینماید و سکه‌شناس ناچار محقق و متتبع میشود.

سکه‌شناسی موجب تألیفات بسیاری شده است و چه بسا کتب محققانه که در علم سکه‌شناسی برشته تحریر در آمده است. بطوریکه در بالا گفتیم سکه‌شناسی مستلزم مطالعه و تحقیق و تتبع است و چون سکه‌شناس بمطالعه پردازد ناچار بصیر و آگاه میشود و چون آگاهی یافت طبعاً مایل میشود نتیجه مطالعات و مشاهدات خود را منعکس سازد و به تألیف و تصنیف پردازد. بهمین جهت است که تاکنون کتابهای بسیاری راجع بسکه‌های ایران از طرف سکه‌شناسان یا خاورشناسانی که در نتیجه سکه‌شناسی خاورشناس شده‌اند تألیف شده و از این رهگذر خدمات گرانبهایی به تاریخ هنر و تمدن ایران نموده‌اند. مثلاً تنها راجع به سکه‌های ساسانی کتب متعددی بچاپ رسیده که یکی از آنها کتاب قطور و بزرگی است که بقلم پاروک تألیف یافته و در هند بچاپ رسیده است. دلیل اینکه دانشمندان ایرانی تاکنون باین رشته از علم ایران شناسی توجه ننموده و اثری در این رشته مهم از خود باقی نگذارده‌اند عدم توجه آنان با اهمیت سکه‌شناسی است، زیرا هنوز در ایران سکه‌شناسی رواج نیافته و سکه‌شناسانی پیدا نشده‌اند که درباره سکه‌های ایران تحقیقاتی بعمل آورند و تاکنون مطالعه در این رشته مهم مهمل مانده است. منظور نگارنده از اطالۀ کلام در این موضوع جلب توجه هموطنان عزیز است که متوجه اهمیت سکه‌شناسی شوند و به تحقیق و تتبع در این رشته علمی پردازند و آثاری از خود باقی بگذارند و بیش از این منتظر نباشند که تاریخ نیاکانشان تنها بدست بیگانگان جمع آوری شود و بآنها برایگان بارمغان داده شود. وقت آنست که دانشمندان

ایرانی توجه بیشتری نسبت باین رشته از ایران شناسی مبدول فرمایند .

سکه شناسی گذشته از جنبه علمی موجب سرگرمی و تفنن و تفریح است . هر کسی را هوسی درس و کاری در پیش است ، یکی گل بازو دیگری ورزشکار ، یکی موسیقی دان و دیگری نقاش ، یکی قمار باز و دیگری مرتاض میشود هر کسی را علاوه بر حرفه و پیشه ای که دارد مشغولیات و تفنناتی هم لازم و ضروری است تا اوقات فراغت از کارهای رسمی بدان پردازد و سرخوش و دلگرم باشد . چه بهتر که این سرگرمی در راهی بکاربرد که موجب کمالات گردد ، فاضل و دانشمند شود ، محقق و منتجع شود ، نویسنده و مصنف شود و بر ذخیره معلومات بشری بیافزاید . احتیاج به يك نوع سرگرمی مانند سکه شناسی بخصوص در مورد اشخاصی که عمری را به فعالیت و جدیت و پشتکار گذرانیده اند حتمی و ضروری است ، خاصه در ایام کهولت و پیری . کسی که يك عمر فعالیت دماغی و بدنی داشته چون فرتوت و فرسوده شود طبعاً خسته و سست میگردد و ناچار است بحکم ضرورت و باقتضای سن از فعالیت جسمی و فکری خود بکاهد ، در آن مرحله از عمر است که نیاز به یک نوع مشغولیات سبک و آسان احساس میشود و در آنوقت است که ارزش معنوی تفنناتی مانند سکه شناسی بیش از پیش محسوس میگردد ، همانگونه که در ایام جوانی و برومندی بفکر اندوخته مادی برای ایام پیری هستیم که گفته اند « مصیبت بود پیری و نیستی بهمین روش باید بفکر اندوخته معنوی نیز باشیم . در جوانی سکه باز شدن و در پیری بدان دلگرم و دمساز بودن است ، انیس و هونس داشتن است ، مشغولیات ملایم و تفریح سالم و تفنن بی آزار و زحمت داشتن است . پس علم سکه شناسی را از امروز برای فردای خود ذخیره کنیم ، آثار علمی و هنری از خود باقی گذاریم و بعد هم مجموعه خود را باختیار و تملك يك بنگاه علمی یا يك دانشگاه یا دانشکده یا موزه یا کتابخانه بگذاریم و بگذریم تا هم به اجر دنیوی و هم بخیر اخروی نایل شده باشیم .

این سکه ها که از قرنهای پیش به یادگار مانده و امروز بدست ما میرسد عروس صدها

بلکه هزاران داماد است. بسیار دست بدست گشته تا بما رسیده، باز هم دست بدست میگردد و باین گردش مستمر خود ادامه میدهد، مامیر ویم و بر باد میر ویم ولی این سکه‌های جان سخت میمانند و باز بگردش خستگی ناپذیر خود ادامه میدهند، باز موجب فتنه و فساد و شر و شور میشوند و باز هم جنگها و خونریزها و خصومتها و عداوتها و کدورتها و مرارتها برپا میسازند. بگذارید این فتنه آرام گیرد و این سرگردانی سکه پایان پذیرد. راه فرونشاندن این فساد همین است که این سکه‌ها را یکجا بموزه یا کتابخانه یا دانشگاهی بسپاریم و آنها را از جریان بازداریم. آنها را به یک مرکز عملی بگذار کنیم تا بمعرض نمایش همگانی در آید و موجب عبرت ناظرین واقع شود و مورد مطالعات و تحقیقات علمی قرار گیرد، تابدین وسیله بفرهنگ و تمدن و ادب خدمت کند. سکه‌هم مانند نیروی برق است: هم خدمت میکند و هم میسوزاند تا نحوه بکار بردن آن چه باشد!

مدتهاست که راه و رسم اهدای مجموعه‌های هنری بمرکز علمی در کشورهای مترقی معمول و متداول گشته، اینهمه ثروتی که امروز در موزه‌ها جمع آوری شده از عطایائی است که مردم نیکوکار میدهند. صحیح است که اهل ذوق در جمع آوری این آثار نفیس همت میگذارند و از مطالعه آنها که ساخته و پرداخته دست هنرمند بشر است لذت میبرند. البته ذوق و سلیقه لازم است که انسان را باین اشتغالات فنی و علمی و تحقیقی و ادار سازد، ولی همین ذوق و سلیقه اجازه نمیدهد که این آثار نفیسی که به بهای یک عمر کاوش و کوشش و تحقیق و تتبع تمام شده بر ایگان دستخوش تطاول بازماندگان گردد، اجازه نمیدهد مجموعه‌ای که در طول یک عمر با نهایت عشق و علاقه گرد آمده در یک روز حراج شود و متفرق گردد و برباد رود. نگارنده را یک خاطره بسیار تلخی در این باره است: یکی از رجال ایران که مرد دانشمند و ادب‌پرور و کتاب‌دوستی بود مدت پنجاه سال در جمع آوری کتب خطی همت گمارد و بگرد آوردن نسخ بسیار نفیس و نایاب و بی نظیر توفیق یافت. خود از این مجموعه نفایس بسیار شاد و قفا او آخر عمر در تکمیل آن کوشا بود و چون در گذشت این مجموعه نفیس را به بازماندگان گذارد،

چند روزی از درگذشت او نگذشته بود که شاهد منظره دلخراشی شدم. دیدم فرزند او که در خارج از ایران ترتیب شده چند کیسه کتاب را در کتابخانه ابن سینا آورده و با نهایت گستاخی بمدير کتابخانه میگفت «من این کتب کهنه و گردآلود را دوست ندارم، اینها موجب دردسر من و آزار همسر من شده است، شرشان را از سر من کوتاه کن و بهر قیمت شده آنها را بفروش تا بخانه من باز نیاید». آیا همین است مفهوم يك عمر مطالعه و کاوش و آیا همین است هدف غائی در جمع آوری نفایس هنر بشری!

البته من واعظ غیر متعظ نیستم، بدیگران اندرزی نمیدهم که خود بدان عمل نکنم. سالیان دراز است که در جمع آوری سکه و کتاب و سایر آثار باستانی و هنری کوشا بوده‌ام، از هر گوشه توشه‌ای گرد آورده و از هر خرمنی دانه‌ای چیده‌ام و تا آن مقدار که بضاعت مزجانه اجازه داده در این باره کوتاهی نورزیده‌ام، بدین مقصود که محل بالاخره مناسبی بسازم و مجموعه‌های خود را در بنای مخصوصی جای دهم و بصورت موقوفه در آورم و چون هنوز موجبات این امر را لحاظ مادی فراهم نیست موقع رامقتم شمرده بدین وسیله اعلام میدارم که هر گاه پیش از کامیابی بدین آرزو در گذرم کلیه کلکسیونهای من از سکه‌ها و کتابهای خطی و چاپی و خطوط و نقوش و مینیاتورها و مرقعات و آلات و ادوات فلزی اعم از زروسیم و مس و ظروف چینی و سوفالی و منسوجات و ملبوسات و غیره که دارم بدین منظور اختصاص دارد و بازماندگانم را بهیچ وجه من الوجوه حقی و ادعائی بر آنها نیست و آنها را باید با نظارت و زاورت فرهنگ کلا به یک مرکز علمی واگذار کنند تا از دستبرد تفرقه مصون ماند و مورد استفاده محققین و دوستانان هنر قرار گیرد.

پیش از پایان دادن بدین فصل بی مناسبت نمیدانم در اینجا یادی از آقای حسین ملک نمایم، آقای ملک از محترمین و متمولین خراسان است و سالیان دراز است که در تهران رحل اقامت افکنده و بجمع آوری کتب خطی همت گمارده است. آقای ملک در نتیجه کاوش و کوشش مستمر و متمادی توفیق یافته است نفیس‌ترین کتب و نایابترین نسخ خطی را گرد آورد، بدین مناسبت کتابخانه ملک امروز چه از لحاظ کمیت و چه کیفیت جامعترین و کاملترین کتابخانه شخصی ایران بشمار است.

آقای ملك باسعه صدری که او راست تنها بجمع آوری کتب نفیس خطی اکتفا ننموده، بلکه بدو موضوع مهم دیگر نیز همت گماشته است: بگرد آوردن سکه ها و تمبر های ایران و سایر کشورهای جهان، و چون در این دو موضوع نیز جدوجهد بلیغ و کمال همت و فتوت را مبذول فرموده این دو نیز امروز در ایران منحصر بفرداست. بدین معنی که حتی مجموعه سکه های موزه ایران باستان را با مجموعه سکه های ملك یارای برابری نیست. آقای ملك را دو افتخار بزرگ حاصل است. یکی بذل همت در گرد آوردن سه مجموعه نفیس و بی نظیر، دوم اینکه این سه مجموعه گرانبها را برای مزید افتخار خود تقدیم آستانه قدس رضوی نموده است. در این باره آقای ملك نخستین ایرانی است که توفیق پایدار ساختن مجموعه های نفیس و گرانبهای خود بوسیله اهدای آنها به يك مؤسسه علمی و مذهبی حاصل کرده است.

امیدواریم سایر گرد آورندگان آثار باستانی و هنری و علمی به آقای ملك تاسی جویند و مجموعه های خود را که به بهای يك عمر همت و جدیت گرد آمده برای مزید افتخار خود به مؤسسات علمی تفویض فرمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
کرم کتابی

به پروانه میگفت کرم کتابی	شنیدم شبی در کتب خانه من
بسی دیدم از نسخه « فاریابی »	باوراق « سینا » نشین گرفتم
همان تیره روزم زیبی آفتابی	نفهمیده ام حکمت زندگی را
که این نکته رادر کتابی نیایی :	نکوگفت پروانه نیم سوزی
تپش میدهد بال و پر زندگی را.	تپش میکند زنده تر زندگی را

محمد اقبال لاهوری